

ملاحظاتی پیرامون روند تصویب قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران

حسین مهرپور

۱. اشاره‌ای اجمالی به مراجع و نحوه قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران، مرجع قانونگذاری مجلس شورای اسلامی است و اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی تصریح می‌کند: «اصول قوه مقننه، از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه، ابلاغ می‌گردد.» و اصل هفتاد و یکم مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی، می‌تواند، قانون، وضع کند.»

* ارائه شده به همایش یکصامتین سال قانونگذاری نیازها و چالش‌ها در مجلس شورای اسلامی، ۲ خرداد ماه ۱۳۸۵
فصلنامه راهبردی، شماره ۴۹، پاییز ۱۳۸۵، صص ۴۱۳-۴۲۶

است، در خواست مراجعه به همه‌پرسی باید استثنائاً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش بینی شده که در برخی از موارد، مرجع دیگری به غیر از مجلس شورای اسلامی می‌تواند مبادرت به تصویب قانون نماید، این مرجع، همه‌پرسی و یا مراجعه مستقیم به آراء عمومی است که در برخی موارد مهم، می‌توان، تصویب قانونی را، مستقیماً به آراء عمومی واگذار کرد و فلسفه و حکمت اصلی آن، این است که در بعضی از امور، دولت و یا بطور کلی نظام، مایل است برای اجرای یک امر مهم به صورت قانون، از پشتوانه مستقیم آراء عمومی برخوردار باشد. طبق اصل ۵۹ قانون اساسی: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ممکن است، اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد...»

از تاریخ تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران و تصویب قانون اساسی تا این تاریخ که این سطور، رقم زده می‌شود، جز در مورد تصویب خود قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۶۸، هیچ قانون عادی از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب نرسیده است. با توجه به شرایط مقرر قانونی برای مراجعه به همه‌پرسی، تحقق این امر نیز بسیار دشوار و دور از دسترس است، زیرا علاوه بر اینکه باید موضوع، از مسائل بسیار مهم باشد که تشخیص آن، طبعاً طبق ذیل اصل ۵۹ به عهده مجلس

است، در خواست مراجعه به همه‌پرسی باید توسط رئیس جمهور، یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس صورت گیرد. (ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۸ مجلس) و طبق ذیل اصل ۵۹، این درخواست به تصویب دوم‌سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد. ارجاع این مصوبه به شورای نگهبان و اظهار نظر شورای مزبور بر عدم مغایرت نفس این مصوبه که صرفاً ارجاع موضوعی به همه‌پرسی است، طبق نظر صریح و تفسیری اخیر شورای نگهبان نیز لازم است. در نظر تفسیری شماره ۸۱۳۰/۱۰۴ مورخ ۱۳۸۷/۲۵ که به امضاء قائم مقام دبیر شورای نگهبان خطاب به دبیر شورا که سوال‌کننده بود آمده است: «درخواست مراجعه به آراء عمومی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی از مصادیق مصوبات مجلس شورای اسلامی است و باید طبق اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود. نقل از مجموعه قوانین سال ۱۳۸۳ روزنامه رسمی مجله به بخش شورای نگهبان صفحه ۱۴

در قانون اساسی بعضی از کشورها، موضوعی که به همه‌پرسی ارجاع می‌شود نیاز به بررسی دادگاه قانون اساسی و یا شورای قانون اساسی ندارد، چنانکه مثلاً قانون اساسی سوریه در ماده ۱۴۶ مقرر می‌دارد وقتی موضوعی به درخواست رئیس جمهوری به همه‌پرسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که معمولاً اطلاق عنوان قوه مقننه به آن انصراف دارد، مجلس شورای اسلامی است، که اندکی پیرامون نحوه انجام این وظیفه مشخصاً از این لحاظ که باید قانون اساسی و طبعاً شرع حفظ شود و

قانونی برخلاف آن تصویب نشود، و رویه جاری نهاد مکمل این امر یعنی شورای نگهبان و دیدگاه قانون اساسی بحث کوتاهی خواهیم داشت.

۲. شیوه بررسی و تصویب قانون در مجلس و سیر آن

برای مطرح شدن موضعی جهت بررسی مجلس و احیاناً تصویب آن به عنوان قانون طبق قانون اساسی، با لایحه قانونی پس از تصویب هیات وزیران و یا طرح قانونی با امضاء حداقل پانزده نفر از نمایندگان، طبق اصل ۷۴ و یا طرح شورای عالی استان‌ها طبق اصل ۱۰۲ قانون اساسی، به مجلس تقدیم می‌گردد و پس از وصول و اعلام وصول آن توسط ریاست مجلس در مسیر بررسی قانونی قرار می‌گیرد و طبق ترتیباتی که در آیین‌نامه داخلی مجلس مقرر شده، پس از ارجاع به کمیسیون‌های مربوطه و بررسی تخصصی آنها و گزارش به مجلس و در مواردی احیاناً بدون لزوم ارجاع به کمیسیون، و به اشکال گوناگون عادی، یک فوریتی، دو فوریتی و سه

گذاشته می‌شود، نیاز به بررسی و ممیزی هیات قانون اساسی ندارد؛ و به هر حال پس از طی این مراحل، طبق بند ۳ اصل ۱۱۰ قانون اساسی باید فرمان همه‌پرسی از سوی مقام رهبری صادر شود.

در برهه‌ای از زمان یعنی از واکز بهمن ماه ۱۳۶۶ تا دی ماه ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز که ابتدا به حکم امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه، ایجاد شده، با اجازه و تجویز ایشان

طبق آیین‌نامه اولیه، مجمع، مستقیماً به کار قانونگذاری می‌پرداخت، ولی از دی ماه سال ۱۳۶۷ با حکم امام خمینی طی نامه‌ای که به مجمع نوشتنده، از قانونگذاری ممنوع شد.^(۱) بعداً هم که طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی در بازگری سال ۱۳۶۸، این نهاد، در قانون اساسی آمده، صلاحیت قانونگذاری به آن داده نشد و به تعبیر امام خمینی (ره) «قرار شد قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد».^(۱)

البته در مقام حل معضل، طبق بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی با ارجاع رهبری، ممکن است، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ترتیبات و تنظیماتی صورت دهد که جلوه بیرونی آن، حکم قانونی را داشته باشد و طبعاً باید به موارد محدود اکتفا شود، برخلاف سال‌های اولیه هم‌اکنون مجمع تشخیص در این زمینه بسیار محدود عمل می‌کند.

به هر حال، مرجع اصلی قانونگذاری طبق

اجرا، طبق اصل ۱۳۳ قانون اساسی می‌بایند. و در صورت استتکاف، در حال حاضر طبق تبصره اصلاحی ماده ۱ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۷۰، به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است، ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید. و در واقع در این صورت بدون امضا و دستور رئیس جمهور، مصوبه قانونی مجلس، رسماً قابلیت اجرا پیدا خواهد کرد. مجلس شورای اسلامی، علاوه بر اینکه خود موظف است در مصوبات قانونی اصول قانون اساسی و موازین شرع را رعایت کند، و اصل هفتاد و دوم تصریح می‌نماید: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد...» طبق اصل نود و چهارم، باید کلیه مصوبات خود را به شورای نگهبان ارسال دارد تا شورای مزبور، آن را از نظر عدم مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع مورد بررسی قرار دهد.

در قوانین اساسی بسیاری از کشورها، شورای قانون اساسی یا دادگاه قانون اساسی هنگامی به بررسی انطباق یا عدم انطباق مصوبه مجلس با قانون اساسی، رسیدگی می‌کند که از سوی مقامی مانند رئیس جمهور، نخست‌وزیر، رئیس مجلس یا عده‌ای از نمایندگان مجلس، چنین درخواستی صورت گیرد. مثلاً قانون اساسی فرانسه در اصل ۶۱ جز در مورد قوانینی معینی که طبق قانون اساسی یا آیین‌نامه داخلی مجلس حائز صواب خاصی برای رأی وجود دارد مانند: سه چهارم، سه پنجم و امثال آن با اکثریت نسبی مثبت آراء یعنی نصف به علاوه یک حاضرین در جلسه رسمی مجلس، به تصویب می‌رسد و وصف قانون البته نه قانون به معنی کامل و قابل اجرا شدن به خود می‌گیرد بلکه عنوان مصوبه قانونی دارد که باید به شورای نگهبان ارسال شود تا شورای مزبور از لحاظ عدم مغایرت آن با اصول قانون اساسی و موازین شرع بررسی نموده و ظرف مهلت مقرر اظهار نظر نماید، اگر شورای نگهبان مصوبه مجلس را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی اعلام نکند، آنگاه مصوبه مجلس وصف قطعی قانونی پیدا می‌کند و طبق اصل ۱۳۳ قانون اساسی برای رئیس جمهور ارسال می‌شود و او موظف است، آن را امضا کند، و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.

برخلاف قانون اساسی مشروطه (اصل ۲۹) متمم قانون اساسی) و برخی قوانین اساسی کشورهای دیگر مانند قانون اساسی فرانسه (اصل ۱۰) و ایتالیا (اصل ۷۴) که رئیس‌کنترل بگونه‌ای حق دارد از توشیح مصوبه مجلس خودداری و تجدیدنظر در آن را بخواهد، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چنین اختیار و اجازه‌ای به رئیس جمهور داده نشده و او مکلف به امضا و ابلاغ مصوبه مجلس برای

«تصمیمات شورای قانون اساسی قابل اعتراض نیستند و اجرای آن بر قوای عمومی و مقامات اداری و قضایی لازم می‌باشد.»
 یا قانون اساسی ایتالیا در ذیل اصل ۱۳۷ مقرر می‌دارد: «هیچ اعتراض و استینافی علیه تصمیمات دادگاه قانونی اساسی به عمل نخواهد آمد...»

ولی نحوه بیان مطلب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که در اصول متعددی مرجع تشخیص مغایرت یا مطابقت قوانین با موازین شرع یا قانون اساسی راه شورای نگهبان یا فقهای شورای نگهبان، قرار داده‌مانند، اصول ۴، ۷۲، ۸۵، ۹۱ و تکلیفی که بر دوش مجلس گذاشته شده مبنی بر تجدیدنظر در مصوبه خود در صورت مغایرت دانستن آن با موازین اسلام و قانون اساسی از سوی شورای نگهبان و عدم تعیین مرجعی برای رسیدگی به تصمیمات آن شورا، در واقع همین تاقی و معنی را به صورت قطعی ایجاد کرده که مستبط از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم این است که نظریات شورای نگهبان در مورد بررسی مصوبات مجلس قطعی است و مجلس باید مصوبه خود را طبق نظر شورای نگهبان اصلاح نماید. بر همین اساس گاه، بارها بخصوص در سال‌های اولیه، مصوبه‌ای بین مجلس و شورای نگهبان رفت و آمد می‌کرد تا سرانجام یا از دستور کار خارج می‌شد یا آنگونه که شورای نگهبان بر آن ایرادی

بنیادی (Lois Organiques) و آئین‌نامه‌های داخلی مجلسین که به هر حال باید به شورای قانون اساسی فرستاده شوند در مورد سایر قوانین می‌گوید با ارجاع رئیس جمهور، نخست‌وزیر، رئیس مجلس ملی، رئیس سنا یا شصت نماینده یا شصت سناطور، شورا رسیدگی خواهد کرد. قانون اساسی رسیدگی و اظهار نظر شورای نگهبان در مورد مصوبه مجلس را از لحاظ زمانی به ده روز و در صورت استمهال حداکثر تا بیست روز محدود کرده است (اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی) و ذیل اصل ۹۴ تصریح شده که اگر با گذشت مهلت مقرر، شورای نگهبان، اظهارنظری نکرده، مصوبه، قابل اجرا است. در عین حال در آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (تبصره ۲ ماده ۱۷۶) و ماده ۲۰ آئین‌نامه داخلی شورای نگهبان در ارتباط با موازین شرعی، به شورای نگهبان اجازه داده شده هر وقت حتی پس از انقضای مدت‌های مزیور در اصول ۹۴ و ۹۵، ماده‌ای را مغایر با شرع تشخیص داد نظر خود را اعلام نماید، و مجلس باید آن را مورد توجه قرار دهد.

در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تصریحی به قطعیت و غیرقابل اعتراض بودن نظریات شورای نگهبان نشده است، برخلاف قوانین اساسی برخی از کشورها که بر این معنی در قانون اساسی تصریح شده مثلاً ذیل اصل ۹۲ قانون اساسی فرانسه، تصریح شده:

و دیگری تاسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، ابتدا با فرمان امام در سال ۱۳۶۶ و بعد در قانون اساسی به ویژه اصل ۱۱۲ که در واقع راه را برای عدم اطاعت مطلق مجلس از نظریات شورای نگهبان باز کرد و به شرح مرقوم در اصل مزبور و آئین نامه داخلی آن در مواردی مجلس می تواند از اصلاح مصوبه خود طبق نظر شورای نگهبان، امتناع کند و دآوری به مجمع مزبور گذاشته شود که در اینجا وارد جزئیات این بحث نمی شویم، تفصیل موضوع را می توان در منبع یاد شده بالا (دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی ملاحظه کرد.

این نکته را نیز باید در این قسمت اضافه کرد که با توجه به اینکه طبق بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام با رهبری است و بند ۲ نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام را نیز در حوزه و وظایف رهبری قرار داده و با توجه به ابوه مقرراتی که در زمینه های مختلف به عنوان سیاست های کلی نظام از سوی مجمع و ام آرای رهبری تصویب شده و با تفویض اختیار نظارت بر حسن اجرای سیاست های از سوی رهبری به مجمع، کمیته ای نیز به نام کمیته نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی تشکیل شده از این پس مصوبات مجلس از این حیث نیز در معرض بررسی کمیته مزبور قرار خواهد گرفت.

نداشته باشد، در مجلس تصویب می شد.

ولی چنانکه می دانیم، دو محدودیت بر این قاطعیت تصمیم شورای نگهبان و تکلیف مجلس به تمکین از آن به وجود آمد، یکی ظهور عاملی به نام ضرورت در امر قانون گذاری، برخی از مجلسیان مخصوصاً در سال های اولیه انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، مدعی بودند برخی از قوانین مهم و بنیادین که تصویب می کنند برای ثبات و پایداری نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران یک ضرورت است که نبود آن مخل اساس نظام است و شورای نگهبان در محدوده استنباط سنتی خود از فقه، آن را مخالف موازین شرع اعلام می نماید. نمونه بارز این وضع در تصویب مقررات مربوطه به اراضی شهری و محدود کردن سلطه مالکیت خصوصی در آن زمینه بود که با صدور فرمانی از سوی رهبر راحل انقلاب امام خمینی مقرر شد قوانینی را که مجلس پس از بحث و بررسی کارشناسی بر اساس ضرورت، تصویب آنها را لازم تشخیص می دهد، دیگر شورای نگهبان از این حیث اظهار نظری بر معایرت آنها با موازین شرع نمی نماید، این موضوع، هر چند در قانون اساسی نیامده بود ولی با حکم رهبر انقلاب اجرا شد، (برای ملاحظه تفصیل این امر و اصل فرمان امام) مراجعه کنید به کتاب: دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی از: حسین مهرپور صفحه ۵۰ به

بعد)

هر چند تصمیم‌گیری نهایی ممکن است با لایحه قانونی دادگاه‌های عام معروف شده بود، شورای نگهبان یا خود مجمع باشد.

نگاه بسیار کوتاه به روند تصویب قانون از سوی مجلس خود، تأملات و ملاحظات را در نظام قانونگذاری ما، ایجاد می‌کند که فرصت برداختن به آنها نیست ولی به اختصار لازم می‌دانم به چند نکته، شکلی و ماهوی که توجه به آنها در ارتقاء وضع قانونگذاری مفید خواهد بود اشاره کنم و عطف توجه متولیان امر قانون را در این یکصدمین سال قانونگذاری که تجربه‌ای نسبتاً طولانی است خواستار شوم:

الف. لزوم اتخاذ نظر به کارشناسی به معنای واقعی در تدوین و تصویب قوانین

در خصوص قوانین مختلفی که از سوی مجلس تصویب می‌شود و سرانجام به اجرا درمی‌آید و به هر حال به یکی از جنبه‌های زندگی و روابط اجتماعی مردم مربوط، می‌شود بررسی کارشناسی لازم و استفاده از تجربیات گذشته و پیشرفت‌های به عمل آمده و آینده‌نگری صحیح و مناسب، ضروری به نظر می‌رسد که فقهاء این امر و یا بی‌توجهی به آن مخصوصاً در مورد قوانین و مقررات مهم که دامنه شمول بیشتری دارد، لطامات سنگینی به نظام حقوقی کشور و حقوق مردم وارد خواهد کرد، به عنوان مثال در این قسمت فقط به یک مورد اشاره می‌کنم؛ قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب که ابتدا به نام از حذف یکسره دادرها و تعمیم صلاحیت

دادگاه‌ها ترزیدیدها و نگرانی‌هایی را البراز دانشم و ب. تبیین صحیح موازین شرعی که قوانین پیشنهادات اصلاحی بینابینی دادم و مصوب مجلس باید رعایت آنها را لحاظ کند پیش‌بینی‌هایی در مورد تصویب و اجرای لایحه بدون تردید به تصریح اصل ۴ قانون اساسی، کلیه مزبور نمودم که بعداً در عمل تحقق یافت.^(۳) به قوانین و مقررات در زمینه‌های مختلف، مدنی، هر صورت، قانونی که قرار بود ظرف ۵ سال به کفوری، سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ... تدریج در سراسر کشور اجرا شود و آثار و قبلاً هم اشاره شد طبق اصل ۷۴ قانون اساسی، برکات خود را در زمینه بهتر کردن و به خصوص مجلس نمی تواند قوانینی وضع کند، که با احکام اسلام مغایرت داشته باشد، مشخص این امر نیز شاید ظرف یک سال اجرا شد ولی عمر بسیاری فقهای شورای نگهبان هستند. لازم به یادآوری کوتاهی داشت، پس از گذشت ۷ سالی مدیریت جدید دستگاه قضائی با افتخار، لایحه احیاء دادسراها و تشکیل مجدد آنها را به مجلس داده، و مجلس هم به عنوان یک اقدام مثبت، آن را تصویب کرد و بنیان فرو ریخته دادسرا مجدداً تشکیل شد. قطعاً اگر دستگاه پیشنهاد دهنده این لایحه مهم قانونی و مجلس قانونگذار به ویژه با ابزار مرکز پژوهش‌ها که در اختیار دارد، کار کارشناسی دقیق‌تر و وسیع‌تری صورت می‌داد، نظام دادرسی ما، دچار این همه ضایعات و مقصیبات زمان و مکان، لازم است مبانی روشنی در رابطه با موازین شرعی یا اسلامی به دست داده شود تا قوانینی منسجم، قابل فهم و قابل اجرا، تصویب و به مرحله اجرا درآید و این وظیفه خطیری است که تقل عمده، آن از لحاظ رسمی به عهده فقهای شورای نگهبان است ولی واقعیت امر آن است که فقهای شورای نگهبان مراجع و علمای حوزه‌ها و جلسات افتاء و سرگذاشتن فراز و نشیب‌ها به بررسی سنجیده و کارشناسی در تصویب قوانین مورد انتظار است.

موضوعه، ابتدا در سال ۱۳۶۱ به عنوان قانون موقت و با تعیین مدت اجرای آزمایشی ۵ ساله در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس تصویب شد، سپس در سال ۱۳۷۰ که مدتی هم از دوران آزمایشی آن گذشته بود مجدداً اجرای آن برای ۵ سال دیگر تمدید شد، در سال ۱۳۷۵ باز بدون اینکه موضوع در جلسه علنی مجلس مطرح و تعیین تکلیف قطعی گردد برای مدت ده سال دیگر یعنی تا سال ۱۳۸۵ اجرای آزمایشی آن به تصویب رسید.

به هنگام طرح و تصویب این ماده، مخصوصاً در شورای نگهبان این بحث مطرح شد که با توجه به موضوعیت نداشتن درهم و دینار مسکوک در ایران و روشن نبودن چستی حله یمانی در زمان حاضر و مشکل بودن فراهم کردن گاو و گوسفند و شتر، با عنایت به مبانی شرعی تعیین مقدار دینه از لسان پیامبر اکرم (ص) و لکنتر مصادیق آن، در آن زمان برای تسهیل کار مردم، معیار نسبتاً ثابتی و تقویم و تبدیل آن به پول رایج که قابلیت اصلاح به تناسب افزایش نرخ تورم داشته باشد، تعیین گردد. تا اجرای آن برای محاکم دادگستری و مردم، امکان پذیر باشد و منافاتی با موازین شرعی نداشته باشد ولی فقهای شورای نگهبان نتوانستند این تحلیل را بپذیرند و هرگونه تغییری در این وضع که در واقع عدول از رویه جاری فقهی غالب بود را مغایر موازین شرعی می دانستند. ولی با گذشت

شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام باید هماهنگی و همکاری کنند تا با درک و فهم صحیح و منطقی از موازین اسلامی و فقهی با عنایت به مقتضیات عصر، قوانینی مفید و قابل اجرا و مبتنی بر زمینه های شریعت اسلامی تصویب و اجرا گردد. جدی نگرفتن این مسئله، تاکنون، مشکلات زیاد و تغییر و تبدیلی فراوانی را در زمینه قوانین ماهوی و شکلی ایجاد کرده که فرصت بررسی و حتی شمارش آنها نیست ولی فقط به عنوان نمونه به یک مورد اشاره می کنیم:

ماده ۹۷(۲) قانون مجازات اسلامی، به تبعیت از نظر غالب و رایج فقها و در واقع در انطباق با موازین شرعی، دینه قتل نفس را یکی از موارد شش گانه زیر:

۱. یکصد شتر، ۲. یکهزار گوسفند، ۳. دوپست رأس گاو، ۴. یکهزار دینار مسکوک، ۵. ده هزار در هم مسکوک، ۶. دوپست دست حله یمانی، که جانی، یعنی شخص مسئول پرداخت دینه مخیر است هر یک از آنها را انتخاب نماید.

تعیین کرده است، تبصره ماده مزبور تصریح می کند فقط در صورت تعذر عین همه آنها، می توان به جای عین قیمت آن را داد یعنی در صورتی که فراهم کردن و دادن عین موارد ششگانه تقریباً غیر ممکن شود می توان قیمت آنها را به عنوان دینه پرداخت کرد.

این ماده مثل سایر مواد مربوط به حدود و قصاص و در راستای اسلامی کردن قوانین

صورت عدم توافق اصحاب دعوی رعایت نمایند...» از آن تاریخ به بعد هر ساله قیمت کارشناسی یکصد شتر، دویست گاو، و یکهزار گوسفند تعیین و اعلام می‌گردد که چون معمولاً قیمت یکصد شتر کمتر است و پرداخت کنندگان دیه می‌تواند کمترین را انتخاب کند، معمولاً همان قیمت به عنوان مبلغ دیه اعلام می‌شود به طوری که در سال جاری حسب اعلام رسانه‌ای دادگستری مبلغ دیه حدود ۲۵۴۰۰/۰۰۰ تومان تعیین شد.

جالب این است که پس از اخذ فتوی و صدور این بخشنامه و عملی شدن آن در سال ۱۳۷۴ ماده ۲۹۷ و تبصره آن بدون هیچ‌گونه تغییری در سال ۱۳۷۵ برای مدت ده سال دیگر از سوی مجلس تمدید شد و هیچ اصلاحی و تغییری در آن به عمل نیامد و معلوم نیست با وجود صراحت قانون موضوعه و نحوه بیان اصل ۱۶۷ قانون اساسی که در صورت نبودن قانون مدون قاضی می‌تواند به فتاوی معتبر مراجعه کند، چگونه قانون مهاجور و به بخشنامه متکی بر فتوی عمل می‌شود که البته آن فتوی و بخشنامه مبتنی بر آن منطقی‌تر و واقعی‌تر است ولی شگفت این است که چگونه دستگاه قانونگذاری بی‌توجه به این امر، و بدون اقدام برای اصلاح قانون، آن را برای ده سال دیگر تمدید کرده است، نمونه‌های فراوانی از این

سال‌ها از اجرای این قانون مشکلات فراوانی برای دستگاه قضایی ایجاد شد، سرانجام رئیس قوه قضائیه وقت در اواخر سال ۱۳۷۳ با طرح استفسار و استفتائی از رهبر انقلاب فتوای معظم‌له را در خصوص موضوعیت نداشتن درهم و دینار و حله یمانی و کافی بودن قیمت اجناس دیگر و تعیین قیمت توسط کارشناس طی دستورالعملی از وزیر دادگستری خواست که با صدور بخشنامه نظر کارشناس را شش ماه یک بار (که ظاهراً بعد از آن یک سال یک بار شد) در مورد قیمت اعیان سه گانه اخذ و همان قیمت که عملاً کمترین آن مورد انتخاب پرداخت کننده دیه و به عنوان مبلغ دیه خواهد بود، به عنوان دیه قتل نفس اعلام شود.

وزیر دادگستری وقت نیز طی بخشنامه شماره ۱۵۲۲ مورخ ۷۴/۸/۷ خطاب به رؤسای کل دادگستری‌های استان اعلام کرد: «در اجرای دستور ریاست قوه قضائیه در خصوص تعیین قیمت سوقیه اعیان احشام موضوع احکام دیات و ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی و با توجه به فتوای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی با نظر هیئت کارشناسی از افراد خبره، ارزش اعیان احشام برای شش ماهه اول سال ۷۴ (۷۴/۸/۷) لغایت ۷۴/۶/۳۱ به شرح ذیل تعیین می‌شود، دستور فرمائید کلیه واحدهای قضایی آن استان در

آلاف دینار و یچوز تعدیل مقدارها بمرسوم، قانون مدنی کویت اول فوریه سال ۱۹۸۱ میلادی یعنی حدود سال ۱۳۶۱ به مرحله اجرا درآمده است.

ح. شفاف بودن قوانین

نظام حقوقی ما، نظام حقوقی مدون و به اصطلاح بر اساس سیستم (Continental) کنتینانتال یا قاره‌ای است و قاضی دادگاه باید بر اساس قوانین موضوعه و مصوب مجلس یا هر مرجع صالح قانون‌نگذاری، رسیدگی و مبادرت به صدور حکم نماید و فقط در صورت نبودن قانون مدون و مصوب یا مبهم و مجمل بودن آن به ناچار برای اینکه مستکلف از احقاق محسوب نشود باید با مراجعه به منابع قانونی که فعلاً صدها آن کتب و فتاوی معتبر فقهی است حکم قضیه را به دست آورده و اتخاذ تصمیم نماید. اصل بکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌کند: «قاضی مکلف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید...» و بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی در مقام بیان وظایف قوه قضائیه یکی از وظایف را: «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر محرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی

باسبامانی و دشواری‌ها که با شأن دستگاه قانونی ما و پیشخوانه فقهی آن و مصالح مردم متناسب نیست و وجود دارد که فرصت طرح آنها نیست ولی لازم است همه صاحب نظران و دست‌اندرکاران تقنین و افتاء فکر مناسبی برای آن نمایند.

بی‌مناسبت نمی‌دانم به راه حل و روشی که برخی از قوانین کشورهای اسلامی همسایه ما که تلاش می‌کردند در تدوین و تصویب قوانین جدید هم موازین اسلامی را در نظر بگیرند و هم مقتضیات زمان و مکان و وضعیت جامعه خود را اشاره‌ای داشته باشیم. در اینجا مشخصاً به عنوان نمونه اشاره می‌کنم به قانون مدنی کویت در بخش مربوط به مسئولیت مدنی و جبران خسارات وارده به اشخاص که در ماده ۲۴۸ دیه نفس را همان مقدار دیه تعیین شده شرعی می‌داند: «اذا كان الضرر واقعا على النفس، فان التعويض عن الاصابه ذاتها يتحدد طبقا لقواعد الدیة الشرعیة...» و طبقاً با بحث‌هایی که هنگام قانونگذاری به عمل آوردند با در نظر گرفتن اساس و مبنای شرع در این زمینه میزان دیه به نرخ روز و به پیرل رایج که قابل تعدیل با توجه به افزایش نرخ تورم است تعیین کردند، طبق ماده ۲۵۱ همان قانون میزان دیه کامل ده هزار دینار (طبقاً دینار کویتی است) و می‌توان طبق بخشنامه مقدار آن را تعدیل کرد. (تقدیرالدیه الکامله بعشره

بکشد اگر آن را ثابت کند از قصاص و دیه معاف است و اگر ثابت نکند فقط به دیه محکوم است و اگر ثابت نکند فقط به دیه محکوم جزایی اسلام تاکید می نماید.

بنابراین ضمن پذیرش این معنی که به هر

قانونگذار در هیچ یک از مواد قانونی تعریف و بیان مشخص و روشنی از مستحق القتل بودن یا مهدورالدم بودن نداده است طبیعاً باید در این موارد به کتب و فتاوی فقهی مراجعه کرد ولی اهل نظر می دانند فقها در این زمینه چه مقدار تشتت آراء و اختلاف فتوی دارند تا جایی که مرحوم صاحب جواهر با وجود اینکه اجمالاً مهدورالدم بودن برخی از افراد را در مواردی می پذیرد، در ابلاهی بحث های مختلفیست مهدورالدم بودن مطلق افراد و محترم نبودن جان انسان را به طور مطلق در برابر هر کس هر چند طرف، مجرم مسلم باشد به طور جدی مورد تردید قرار می دهد. اهل نظر را راجع می دهم در این مساله مهم به ملاحظه بحث ها و تردیدها و نقل قول های مختلف صاحب جواهر در جلد ۴۲ کتاب جواهرالکلام در مبحث مربوط به شرط تساوی در دین برای قصاص به ویژه صفحات ۱۶۵ تا ۱۶۸ و از جمله ملاحظه این عبارت این قیه: «... و بالجمله فالمدار علی احترام النفس علی وجه یجب علی المكلف حفظها و مرجع ذالک الی الاستظهار من الادله و الافمجرد و جوب القتل حدا لا یقتضی ذلت خصوصاً مع توبه المحدود و ندمه و اسفه اذا کان خون او مباح است و جان او حرمتی ندارد)

بحیث لایسقط عن الحد، کمالو فرض توبه بعد و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به اقامه البینه علیه و حکم الحاکم علیه فان دعوی عدم احترام نفسه مع هذا الحال بحیث یکون کبعض الحيوانات التي هي غير محترمة من جهة وجوب القتل علیه حدا لا یخفی علیک ما فیها...» خواهد شد.

در هیچ یک از قوانین موضوعه، نه از ارتداد، تعریفی صورت گرفته و نه حکم جزایی ارتداد بیان شده است. طبیعاً باید برای فهم هر دو به

مبانی فقهی مراجعه کرد که می دانیم یکی از مصادیق شایع آن که انکار ضروری دین است بحث ها و چالش های زیاد فقهی دارد و به آسانی قاضی مجتهد و مسط بر فقه نیز نمی تواند حکم قضیه را به صورت قانع کننده ای به دست آورد. و در هر حال سؤال این است که چرا قانونگذار در نظام حقوقی که قانون اساسی آن به اجرای قوانین بدون و موضوعه تصریح می کند، مسائل و موضوعات به این مهمی را شفاف و روشن، تدوین نمی کند و در هاله ای از ابهام قرار می دهد.

نمونه ها و مطالب گفتمی و انتظارات در این زمینه فراوان است ولی مطلب را بیشتر از این به درازا نمی کشیم، قرار دادن عنوان: چالش ها و نیازها دنیاله عنوان همایش یک صدمین سال قانونگذارای به طرح اشاره گونه برخی مطالب منجر شد امیدواریم تجربه گذشته و علم امروز و نیازها و مقتضیات عصر کنونی و موقعیت نظام

جمهوری اسلامی ایران، متولیان امر قانون‌گذاری را، به سوی تحقیق و تدوین و تصویب مترقی‌ترین قوانین رهنمون شود.

پانوشته‌ها

۱. برای ملاحظه متن نامه امام در این خصوص، مراجعه کنید به: دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی از: دکتر حسین مهرپور، صفحه ۶۸
۲. بنگرید: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اداره کل قوانین و مقررات کشور ریاست جمهوری، متن نامه امام به رئیس جمهور وقت برای بازنگری، ص ۱۰.
۳. بنگرید: دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، پیشین، ص ۲۶۷ به بعد، شاید نامناسب نباشد فرار کوتاهی از آن مقاله که مربوط به سال ۱۳۷۱ و پس از تصویب کلیات لایحه قانونی دادگاه‌های عام بود از منبع مزبور نقل شود: «... بسیاری از حقوقدانان و فقهاء و کلاهی دادگستری نیز شدیداً نگران هستند که اجرای این لایحه نظام رسیدگی قضایی را به هم بریزد و عملاً دقت لازم در رسیدگی به پرونده‌ها به عمل نیاید و احقاق حق و اجرای عدالت دچار اشکال گردد، انگیزه نگارنده نیز که خود زمانی در جریان مسائل قانونگذاری قضایی بوده و طبیباً نمیتواند به این نوع مسائل بیعلاقه و بی تفاوت باشد، در نگارش این مقاله نه ابراز مخالفت بلکه تا حدودی تبیین نگرانیهای موجود و جلب توجه نمایندگان محترم مجلس در دقت و بررسی هر چه بیشتر و همه جانبه در تصویب این لایحه است. گمان میکنم، توقع نایجایی نباشد که از نمایندگان محترم مجلس خواسته شود، در مسائلی به این اهمیت که این قدرت قضاست نظر و موجب دلمشغولی متصدیان و دستاوردکاران امر مختلف کارشناسان و صاحبان تجربه را بگیرند و با توجه به همه جهات تصمیم بگیرند، زیرا این لایحه به هر حال، تغییراتی اساسی در سیستم قضایی پدید می آورد و نظام دادرسی را متحول میکند که میتواند آثار مثبت یا منفی زیادی از خود به جای گذارد پس شایسته هرگونه دقت و تأمل است، در طی مدتی که لایحه دادگاه‌های عام مطرح گردیده از بین جامعه

فقهاء و کلا و اساتید حقوق، بیشتر نظریات مخالف، ابراز شده است، این مخالفت با به صورت نوشتن مقاله در روزنامه و مجلات یا اظهار نظر در نشریاتی که به طور غیررسمی به عمل آمده و یا به صورت ابراز نگرانی در بخشهای مختلف صورت گرفته است، از میان قصاص و دستاوردکاران با تجربه قضایی، کمتر کسی در موافقت با این لایحه و توجه فواید آن سخن گفته است...»

۴. متن ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن به این شرح است: ادبیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مجبور میباشد و تلفیق آنها جایز نیست:

۱. یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند
۲. دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند
۳. یکهزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند
۴. دویست دست لباس سالم از جنلهای پشم
۵. یکهزار تینار مسکوک سالم و غیرمغشوش که هر دینار یک مثقال شمری طلا به وزن ۷۸ نخود است.
۶. ده هزار درهم مسکوک سالم و غیرمغشوش که هر درهم به وزن ۱۷۶ نخود تیره میباشد.

تبصره: قیمت هر یک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین و یا تعدل همه آنها پرداخت میشود.

۵. متن ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی به این شرح است: اقتل نفس در صورتی، موجب قصاص است که مقتول، شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند.»

۶. متن تبصره ماده ۲۹۵ بدین شرح است: ادر صورتی که شخصی، کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجری علیه مورد قصاص یا مهدورالدم نبوده است، قتل به منزله خطئه شبیه عمده است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند، قصاص و دیه از او ساقط است.»